

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکم نکاح اجباری دختر توسط پدرش

(ترجمه)

به جواب نازک الملائکه

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

در نزد سوالی است، امیدوارم به زودی جوابم را ارائه نمائید. آیا نکاح دختر بدون رضایت وی تمام می‌شود؟ راحل مشکل این عقد نکاح و کتابت آن چیست؟ من با تأیید و امضای نکاح‌نامه مجبور نشدم؛ بلکه برایم خیر دادند که خواستگار یا داماد بر درب خانه است و من با این عقد موافق بودم؛ ولی در این وقت احساس کردم بدون این‌که کسی با من در این خصوص صحبت کند، من برای پذیرش این عقد نکاح مجبور هستم.

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

در خصوص این مسئله در کتاب نظام اجتماعی، باب نکاح حدیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر نمودیم: از عبدالله بن بریده از پدرش روایت شده است که او گفت:

«جاءت فتاة إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالت: إن أبي زوّجني ابن أخيه ليرفع بي خسيته. قال: فجعل الأمر إليها فقالت قد أجزت ما صنع أبي، ولكن أردت أن أعلم النساء أن ليس إلى الآباء من الأمر شيء» (رواه ابن ماجه)

ترجمه: دختری نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: پدرم مرا به نکاح برادر زاده‌اش در آورده است تا توسط من خساست و بدی آن را بر دارد. پدر عبدالله بن بریده گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم صلاحیت و اختیار را به دختر سپرد، سپس آن دختر گفت: آنچه که پدرم انجام داده قبول کردم؛ ولی این مسئله را به خاطر می‌گویم تا زنان بدانند که پدران حق ندارند دختران‌شان را اجباراً به نکاح بدهند.

در کتاب "مصباح الزجاجة في زوائد ابن ماجه" نوشته‌ی ابی العباس شهاب الدین البوصیری الکنانی الشافعی، متوفی سال 840 هـ چنین روایت شده است: «از عبدالله بن بریده روایت است که از پدر خود روایت نموده است که گفته است: دختری نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت پدرم مرا برای برادر زاده‌اش به نکاح داده است تا توسط من بدنامی و خساست برادر زاده‌اش را دور سازد. او گفت: «فَجَعَلَ الْأَمْرَ إِلَيْهَا فَقَالَتْ قَدْ أَجَزْتُ مَا صَنَعَ أَبِي وَلَكِنْ أَرَدْتُ أَنْ تَعْلَمَ النِّسَاءُ أَنَّهُ لَيْسَ لِلْآبَاءِ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» ترجمه: اختیار تأیید و رد نکاح را به دختر داد، سپس دختر گفت: من این نکاح را قبول کردم؛ ولی آن را به صورت واضح بیان کردم تا زنان بدانند که پدران صلاحیت ندارند تا دختران‌شان را اجباراً به نکاح بدهند.» او گفته: رجال این حدیث ثقة هستند و اسنادش صحیح است.

بناءً بر پدر دختر لازم است که موافقه‌ی دختر را برای عقد نکاح بگیرد و از اجازه دختر مطمئن گردد؛ چون ایجاب و قبول با رضایت و اختیار دختر تکمیل می‌شود. ما این مسئله را در باب نکاح کتاب نظام اجتماعی به گونه ذیل واضح نمودیم:

«وقتی از زن خواستگاری می‌شود، حق موافقه نکاح و رد آن تنها از زن است؛ هیچ‌کس از اولیاء و غیراولیای زن حق ندارند که زن را بدون اجازه وی به نکاح بدهند و یا آن را از نکاح مانع شوند.» از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«التَّيْبُ أَحَقُّ بِنَفْسِهَا مِنْ وَلِيِّهَا، وَالْبِكْرُ تُسْتَأْنَنُ فِي نَفْسِهَا وَإِذْنُهَا صُمَاتُهَا» (رواه مسلم)

ترجمه: زن بیوه از ولی‌اش در اجرای عقد نکاح مستحق‌تر است. از دختر باکره باید اجازه گرفته شود، سکوت دختر، اجازه وی به حساب می‌آید.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَا تُنْكَحُ الْأَيِّمُ حَتَّى تُسْتَأْمَرَ، وَلَا الْبِكْرُ حَتَّى تُسْتَأْنَنَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ إِذْنُهَا؟ قَالَ: أَنْ تَسْكُتَ» (متفق علیه)

ترجمه: نکاح زن بیوه درست نمی‌شود؛ مگر این‌که خودش به آن هدایت دهد و همچنان نکاح دختر درست نمی‌شود؛ مگر این‌که از وی اجازه گرفته شود. فرمودند اجازه دختر چگونه است یا رسول الله! ایشان فرمودند: اجازه دختر سکوت وی است.

از ابن عباس روایت شده است:

«أَنْ جَارِيَةً بَغْرًا أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ فَذَكَرَتْ أَنَّ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَهِيَ كَارِهَةٌ، فَخَيَّرَهَا النَّبِيُّ» (رواه ابوداود)

ترجمه: دختری نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: پدرش وی را جبراً به نکاح داده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم دختر را به رد و قبول این عقد اختیار داد.

از خنساء بنت خدام انصاری روایت شده است:

«أَنْ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَهِيَ تَيْبٌ فَكَرِهَتْ ذَلِكَ فَأَتَتْ فَرَدَّ نِكَاحَهَا» (رواه بخاری)

ترجمه: پدر دختر، دخترش را در حالی‌که وی بیوه بود، به نکاح داده بود و دختر به این نکاح رضایت نداشته و این نکاح را رد کرد.

تمامی این احادیث به صورت صریح دلالت دارند، تا زمانی‌که اجازه زن گرفته نشود، نکاح آن تکمیل نمی‌شود؛ اگر نکاح زن منعقد شود؛ ولی خود زن آن را رد کند و یا اجباراً به نکاح داده شود، عقد نکاح آن فسخ می‌گردد؛ مگر این‌که خودش بعداً به این عقد رضایت نشان داده و یا به این عقد باز گردد.»

شما صراحت نص کتاب نظام اجتماعی را دیده‌اید؛ طوری که ذکر کردیم، همه این احادیث صراحت دارند که اگر اجازه زن برای نکاح گرفته نشود، نکاح آن تکمیل نگردیده و اگر چنین نکاح را رد کرد و یا به اجبار نکاح داده شده بود، نکاح آن قابل فسخ است؛ مگر این‌که خود زن به این نکاح بعداً باز گردد و یا راضی گردد.

امیدوارم که در همین قدر کفایت کند، الله سبحانه و تعالی بر همه چیز عالم‌تر و در کارش حکیم‌تر است.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

14 جمادی الآخر 1441 هـ ق

8 فیبروری 2020 م

مترجم: مصطفی اسلام

